

نگاهی اجمالی بر «آداب المتعلمین» ها و جایگاه آن در نظام اخلاقی حوزه حمید عطایی نظری^۱

مقدمه

یکی از مسایل مهمی که محور سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی (حفظه الله تعالی) در جمع طلاب حوزه‌ی علمیّه‌ی قم را تشکیل می‌داد، مسأله‌ی نظام اخلاقی حوزه و مباحث مربوط به آن بود. ایشان ضمن یادآوری جنبه‌های گوناگون نظام اخلاقی موجود در حوزه‌های علمیّه از قدیم تا کنون، به سنت‌های اخلاقی رایج در این حوزه‌ها اشاره و بر ضرورت حفظ و احیای این سنن اخلاقی پسندیده تأکید کردند.

به نظر ایشان، یکی از سرفصل‌های مهم مطرح شده در نظام اخلاقی حوزه‌های علمیّه، مسأله‌ی آداب علم‌آموزی و از جمله مهم‌ترین آن‌ها نحوه‌ی تعامل و رابطه‌ی بین استاد و شاگرد است:

«احترام به استاد هم یک مسأله است. یکی از سنت‌های رایج حوزه‌های علمیّه، تواضع شاگرد در مقابل استاد و احترام به استاد بود؛ "آداب المتعلمین" می‌نوشتند که متعلم در مقابل معلم چه وظایفی دارد

۱- دانشجوی دکتری فلسفه‌ی اسلامی دانشگاه شهید بهشتی و دانش‌آموخته‌ی حوزه‌ی علمیّه.

و معلّم چه حقوقی بر او دارد، همچنان که متقابلاً متعلّم بر معلّم حقوقی دارد.^۱

با توجّه به نقش بارزی که «آداب المتعلّمين»ها در شکل دهی و تدوین نظام اخلاقی و رفتاری حوزه‌های علمیّه داشته‌اند و تأکیدی که مقام معظم رهبری در این خصوص ابراز فرمودند، تحقیق در این موضوع امری بایسته به نظر می‌رسد. از این‌رو، در پژوهش حاضر، نخست به جایگاه «آداب المتعلّمين»ها در نظام اخلاقی حوزه اشاره کرده، پس از آن به معرفی مهم‌ترین کتاب‌های نگاشته شده در این موضوع در حوزه تمدّن اسلامی می‌پردازیم.

جایگاه «آداب المتعلّمين»ها در نظام اخلاقی حوزه

بی‌گمان، یکی از اهداف تشکیل حوزه‌های علمیّه، هم‌چنین یکی از اصلی‌ترین مقاصد افرادی که به حوزه‌های علمیّه وارد می‌شوند، تهذیب نفس و کسب طهارت باطنی است. نظام آموزشی مدارس دینی هم که بر تعالیم مذهبی بنیان‌گذاری شده، از دو رکن اساسی تشکیل یافته است:

الف) آموزش اخلاقی: که عبارت است از تعلیم روش‌های تهذیب نفس و کسب طهارت روحی.

ب) آموزش علمی: آموزش اخلاقی و علمی در وحی الهی نیز از جمله اهداف بعثت پیامبر دانسته شده است: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾^۲ این امر دارای اصول و ضوابطی است که یکی از

۱- مؤسسه‌ی پژوهشی - فرهنگی انقلاب اسلامی، بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با طلاب

و اساتید حوزه‌ی علمیّه‌ی قم، ص ۳۶.

۲- جمعه ۲/.

مهم‌ترین آن‌ها تقدّم آموزش اخلاقی بر آموزش علمی است. این اصل که از آیه‌ی شریفه‌ی یاد شده به دست می‌آید، مراد بسیاری از آیات و روایات دیگر نیز بوده، از ارزش و اهمیّت والایی برخوردار است. به‌طور کلی، نظام آموزش اخلاقی در حوزه‌های علمیّه را می‌توان در دو قسمت عمده سازمان‌دهی کرد:

۱) آموزش اخلاق فردی: که عبارت است از تهذیب نفس و ایجاد کمالات روحی در شخص متعلّم؛ کمالاتی از قبیل تواضع، شجاعت، دوری از غرور و حسد.

۲) آموزش اخلاق عمومی: که مربوط به نحوه‌ی تعامل فرد «متعلّم» با دیگران، اعمّ از استادان و دیگر طلاب است.

بخش اوّل که آموزش اخلاق فردی است، به‌طور خاص در حوزه‌های علمیّه مورد توجّه قرار گرفته و برای تعلیم آن نیز کتب اخلاقی متعدّدی همچون «جامع السّعادات» و «معراج السّعاده» نگاشته شده است. امّا بخش دوم که آموزش اخلاق عمومی است، به‌رغم اهمیّت فراوانی که دارد، کمتر مورد عنایت طالبان علم قرار گرفته و از همین رو- به‌نسبت- نگاشته‌های کمتری نیز در این زمینه پدید آمده است.

این بخش از اخلاق عمومی معمولاً در کتبی که به نام «آداب المتعلّمین» موسوم است، بررسی و تبیین می‌شود. در این کتاب‌ها آداب علم‌آموزی و از جمله نحوه‌ی تعامل میان عالم و متعلّم، و نیز وظایف مربوط به هریک، به‌نحو مبسوط تعریف شده است. این قبیل آداب در اکثر موارد ریشه در روایات دینی داشته و در بعضی موارد نیز ناظر به سخنان بزرگان علم و دین و تجربیّات آنان در این زمینه است.

از سوی دیگر، امروزه این مسأله در علم اخلاق مطرح است که به‌طور کلی می‌توان برای هر عملی، اخلاقی خاص در نظر گرفت؛ به این معنا که انجام هر فعل اختیاری، به روش‌های مختلفی امکان‌پذیر

است و در این میان، برخی از این روش‌ها اخلاقی و برخی دیگر غیر اخلاقی است و ما موظفیم که اعمال خود را تنها بر وجه اخلاقی‌شان به جا آوریم.

شناخت و تعیین این که انجام فعل در چه صورتی اخلاقی است و در چه صورتی غیر اخلاقی، خود بحث مفصل و پیچیده‌ای است که در فلسفه‌ی اخلاق بررسی می‌شود، اما آنچه در این جا مهم به نظر می‌رسد آن است که این امر، سبب تخصصی شدن علم اخلاق و پدید آمدن گرایش‌های مختلفی همچون اخلاق پزشکی، اخلاق اداری، اخلاق اقتصادی، اخلاق مدیریتی و حتی اخلاق زیست محیطی شده است.

آموزش و یادگیری نیز به این دلیل که در زمره‌ی افعال اختیاری انسان قرار دارد، خود دارای آداب و رسومی خاص، یا به تعبیر دقیق‌تر - دارای «اخلاق» ویژه‌ای است.

«اخلاق علم‌آموزی» از دیرباز مورد توجه عالمان دینی بوده و از همین روست که در جهت تدوین و تبیین آن کوشش‌های فراوانی شده و نگارش‌های گوناگونی نیز در این راستا صورت گرفته است. بارزترین نوع این نگاه‌ها، همان رساله‌ها و کتبی است که با نام «آداب المتعلمین» از آن‌ها یاد شد. در واقع، «آداب المتعلمین»‌ها را می‌توان دستورالعمل‌های بایدها و نبایدهای آموزش و - به تعبیری - تبیان اخلاق علم‌آموزی نیز دانست.

بنابراین، جایگاه این دسته کتاب‌ها در نظام اخلاقی حوزه را از دو جهت می‌توان تبیین کرد: نخست آن که این نگاه‌ها، مرام‌نامه یا آیین‌نامه‌ی اخلاق عمومی در حوزه‌ها به شمار می‌آیند و دیگر آن که این نوع نگارش‌ها به‌طور کلی - بیانگر و نشان‌دهنده‌ی هنجارهای تعلیم و تعلم، و در یک کلام، اخلاق علم‌آموزی در حوزه‌های علمیّه قلمداد می‌شوند.

این که «آداب المتعلمین»ها به لحاظ عملی، تا چه اندازه در ترویج اخلاق علم آموزی و اخلاق عمومی در میان طالبان علم تأثیرگذار بوده است، خود مطلب دیگری است که پژوهش مبسوطی را طلب می‌کند و باید در جای دیگری بدان پرداخته شود.

معرفی مهم‌ترین کتاب‌های نگاشته شده در موضوع اخلاق علم‌آموزی
کتاب‌شناسی و معرفی تمامی آثاری که در زمینه‌ی آداب و رسوم علم‌آموزی نگاشته شده است، خود کاری سترگ و درازدامن است که از عهده‌ی این مقال خارج است. آن‌چه در این جا مطمح نظر قرار گرفته، تنها معرفی اجمالی مهم‌ترین این آثار است که شهرت و تداول بیشتری در حوزه‌های علمیّه یافته‌اند.

پیش از آن که وارد اصل بحث شویم تذکر چند نکته سودمند به نظر می‌رسد:

نخست آن که مبحث اخلاق علم‌آموزی در بسیاری از کتب اخلاقی و حدیثی، همانند «المجموع فی شرح المهدّب» شرف‌الدین نووی (م ۷۶۷ ق.) و «إحياء علوم الدّین» غزالی (م ۵۰۵ ق.) و به تبع آن در «محجّة البیضاء» فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ ق.)، گاه به صورت یک فصل مستقل مطرح شده و مورد بررسی گسترده قرار گرفته است؛ لیکن در این گفتار، تنها به توصیف آن دسته از کتب یا رساله‌هایی می‌پردازیم که به طور ویژه به آداب علم‌آموزی پرداخته‌اند.

نکته‌ی دیگر آن که برخی از نگاشته‌های متعلق به حوزه‌ی آداب علم‌آموزی، تنها در خصوص برخی از اقشار و اصناف طالبان علم نوشته شده‌اند. در این کتب، هدف اصلی، بیان آداب دانش‌آموزی یک صنف خاص یا دسته‌ای خاص از عالمان و متعلمان بوده است، و از این رو، بیشتر مباحث مذکور در این آثار نیز مختص همان طیف بوده و در موارد دیگر کاربرد چندانی ندارد. از این نوع

آثار، برای نمونه می‌توان به «التبیان فی آداب حملة القرآن» شرف‌الدین نووی شافعی (م ۷۶۷ ق.) اشاره کرد که در باب آداب قرآن‌آموزی است؛ هم‌چنین «ادب الایماء والایستلاء» سمعانی (م ۵۶۲ ق.) که به توصیف آداب و رسوم گفتن و نوشتن حدیث و مجالس محدثان پرداخته و یا کتاب «ادب المفتی والمستفتی» ابوالقاسم صیمری (م ۳۸۶ ق.) و کتابی دیگر با همین نام از ابن‌صلاح شهرزوری (م ۶۴۳ ق.) که در آن آداب افتاء و استفتاء بیان شده است.^۱ از همین قبیل است رساله‌ی «تحریر المقال فی آداب و احکام و فوائد یحتاج إليها مؤدبوا الأطفال» تألیف ابن‌حجر هیثمی (م ۹۷۴ ق.) که در زمینه‌ی آداب علم‌آموزی و نحوه‌ی تعلیم و تربیت اطفال نگاشته شده است.

از آن‌جا که مقصد اصلی در پژوهش حاضر، معرفی آن دسته از نگاشته‌هایی است که محتوای آن‌ها تناسب بیشتری با اخلاق علم‌آموزی در حوزه‌های علمی دارند، در این‌جا از ذکر کتبی که به‌طور ویژه برای گروهی خاص تألیف شده‌اند صرف‌نظر می‌شود.

۱- آداب المعلمین

این اثر نگاشته‌ی فقیه بزرگ مالکی، ابو عبدالله محمد بن سحنون (م ۲۵۶ ق.) است. او در قیروان زاده شد و نزد پدرش سحنون که از عالمان بزرگ آن دیار نیز به حساب می‌آمد به دانش‌آموزی پرداخت.^۲ وی پس از چندی به مدینه رفت و با مکتب فقهی آن شهر آشنا شد و کتب متعددی در دفاع از مذهب فقهی مالکی نگاشت.^۳

آداب المعلمین ابن‌سحنون، نوشته‌ای بسیار موجز در زمینه‌ی آداب آموزش مقدماتی است و همین اختصار شدید آن، خود می‌تواند حاکی

۱- آذرتاش آذرنوش، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، ص ۳۱۶.

۲- سزگین، فؤاد، تاریخ التراث العربی، ج ۳، ص ۱۵۶.

۳- ابن فرحون، اللیبیاح المذهب، ص ۳۳۳.

از آن باشد که این رساله اولین اقدام یا لااقل در زمره‌ی نخستین کوشش‌ها برای تک‌نگاری در این موضوع به حساب می‌آید.

در چنین آموزش‌هایی، نخستین چیزی که مورد توجه قرار می‌گرفت، تعلیم قرآن بود. از این‌رو، این رساله با روایاتی در ستایش آموزش قرآن آغاز می‌شود و در ادامه، جزئیات بیشتری از نحوه‌ی تعلیم قرآن بیان می‌شود.^۱

ظاهراً این رساله، نخستین تک‌انگاری به‌جا مانده در زمینه‌ی آداب تعلیم و تربیت رسمی در قلمرو فقه مالکی است و تأثیر فراوانی در نگارش رساله‌هایی مشابه در این مذهب داشته است.^۲

ابن‌سحنون در این اثر، آداب علم‌آموزی را از منظر فقهی مورد پژوهش قرار داده، موضوعاتی همچون اجرت معلّم، برقرار ساختن عدالت میان متعلّمین، پاک کردن لوح‌ها، تأدیب متعلّمین و این‌که آیا معلّم می‌تواند از کودکان برای کارهای شخصی‌اش کمک بگیرد، را از نظر فقهی بررسی کرده است.^۳

ابن‌سحنون در این رساله، بیش از هر موضوع دیگری، به بحث درباره‌ی مسایل مالی معلّمان پرداخته، به تفصیل در باب نحوه‌ی دخل و خرج معلّمان در امور آموزشی سخن گفته و از دیدگاه فقهی به تحقیق این مطلب پرداخته است.^۴

آداب‌المعلّمین در سال ۱۹۳۱م. به کوشش حسن حسنی عبدالوهاب در تونس منتشر شد و به وسیله‌ی لوکونت به فرانسوی ترجمه و در سال

۱-Franz Rosenthal, *Knowledge Triumphant*, p:۲۹۰

۲-ibid, p:۲۹۰

۳ - باغستانی، اسماعیل، *دانشنامه‌ی جهان اسلام*، ج ۷، ص ۵۳۶.

۴-Franz Rosenthal, *ibid*, p:۲۹۱

۱۹۵۳م. در مجله‌ی «مطالعات اسلامی» در پاریس به چاپ رسید. هم‌چنین، بار دیگر با کوشش احمد فؤاد الأهوانی ضمن کتاب التریبۃ الإسلامیة در قاهره (۱۹۵۵م.) انتشار یافت.^۱

۲- الرسالة المفصلة لأحوال المعلمین و المتعلمین

پدیدآورنده‌ی این اثر، ابوالحسن علی بن محمد قیروانی قابسی (م ۴۰۳ ق.) از فقها و محدثان بزرگ مالکی مذهب مغرب است. نام این کتاب در منابع مختلف، به گونه‌های متفاوتی ذکر شده است. فؤاد سزگین^۲ و عمر کخاله^۳ و روزنتال^۴ آن را با نام «الرسالة المفصلة لأحوال المتعلمین و أحكام المعلمین و المتعلمین» آورده‌اند و خیرالدین زرکلی^۵ و اسماعیل پاشا بغدادی^۶ از آن با عنوان «الرسالة المفصلة لأحوال المعلمین و المتعلمین» یاد کرده‌اند. اما ابن فرحون (م ۷۹۹ ق.) در زمره‌ی تألیفات قابسی، به دو اثر اشاره می‌کند: یکی «الرسالة المفصلة لأحوال المتقین» و دیگری کتاب «المعلمین و المتعلمین». این احتمال می‌رود که در منابع متأخر نام این دو کتاب با یکدیگر ترکیب شده و در قالب یک اسم در آمده باشد. بر اساس این احتمال، نام اصلی کتاب قابسی چیزی جز «المعلمین و المتعلمین» نخواهد بود.

۱- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۶۶۶.

۲- سزگین، محمدفؤاد، تاریخ التراث العربی، ج ۳، ص ۱۷۶.

۳- کخاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، ج ۷، ص ۱۹۴.

۴- ibid, p: ۲۹۱

۵- اکزرکلی، خیرالادین، الأعلام، ج ۴، ص ۳۲۶.

۶- البغدادی، اسماعیل پاشا، هدیة العارفین، ج ۱، ص ۶۸۵.

۷- ابن فرحون، اللدیباج المذهب، ص ۲۹۷.

قابسی این رساله‌ی خود را ناظر به رساله‌ی ابن سحنون نگاشته است. او موضوع تعلیم و تربیت را با توجه به وضع آن در مکاتب و مدارس سرزمین مغرب مورد بحث قرار داده است. رویکرد وی در تدوین این رساله، بیشتر فقهی - حدیثی بوده و در نگاشته‌ی خود مسایل گوناگونی از جمله سخت‌گیری بر متعلمین و تأدیب آن‌ها، جلوگیری از اختلاط دختر و پسر و مانند این‌ها را مطرح کرده است.^۱

قابسی نیز همانند ابن سحنون عنایت ویژه‌ای به بحث از اقتصاد آموزش داشته است و بررسی این دو رساله نشان می‌دهد که تحقیق در مسایل مالی معلمان از دغدغه‌های ذهنی فقهای مالکی مذهب، به گاه نوشتن این قبیل آثار بوده است.^۲

نگاشته‌ی قابسی تا حدّ زیادی مبسوط‌تر از *آداب المعلمین* ابن سحنون است. رساله‌ی او با فصلی که چندان ارتباطی با موضوع رساله ندارد درباره‌ی ایمان، اسلام، احسان و استقامت در زندگی دینی آغاز می‌شود. فارغ از این مورد، نگاشته‌ی او به‌طور کلی فرق حقیقی چندان با اثر ابن سحنون ندارد.^۳

این رساله در سال ۱۹۵۵م. توسط أحمد فؤاد الأهوانی در قاهره چاپ شده است.^۴

۳- جامع بیان العلم و فضله و ما ینبغی فی روايته و حمله

این کتاب بنا بر تصریح مؤلف آن، ابن عبدالبرّ قرطبی (م ۴۶۳ ق.)، تلخیص تبویب شده‌ای است از آنچه پیشینیان در باب آداب تعلیم و

۱- باغستانی، اسماعیل، *دانش‌نامه‌ی جهان اسلام*، ج ۷، ص ۵۳۶.

۲- *ibid*, p:۲۹۲.

۳- Franz Rosenthal, *ibid*, p:۲۹۱.

۴- سزگین، فؤاد، *تاریخ التراث العربی*، ج ۳، ص ۱۷۶.

تربیت آورده‌اند. او در مقدمه‌ی این کتاب تأکید می‌کند که هدفش از نگارش این کتاب، شرح آداب گوناگون علم‌آموزی و بیان اموری است که بر آموزگار و آموزش‌پذیر اتصاف به آن‌ها لازم و مداومت بر آن‌ها واجب است.^۱

ابن عبدالبرّ در نگاه‌سته‌ی خود کوشش فراوانی کرده است تا موضوعاتی همچون فضیلت علم‌آموزی، رفتار متعلم نسبت به عالم و معلم و صفاتی که تخلّق بدانها بر هر یک از ایشان ضرورت دارد، و هم‌چنین دیگر مباحث متعلق به این حوزه را با رویکرد حدیثی و بر اساس آیات و روایات تبیین کند. از این‌رو، عمده‌ترین منابع مورد استفاده‌ی وی در نگارش این کتاب، احادیث پیامبر ﷺ و عالمان گذشته است.^۲

کتاب جامع بیان العلم و فضله از نخستین و مفصل‌ترین آثار نگاشته شده به سبک روایی در زمینه‌ی فضیلت و آداب و رسوم دانش‌اندوزی است و به همین خاطر، در زمره‌ی یکی از مصادر اصلی آثار پس از خود در باب اخلاق علم‌آموزی قرار گرفته است.

این کتاب بارها با ویرایش‌های مختلف به چاپ رسیده است. احمد بن عمر الحمصانی البیروتی، تلخیصی از این کتاب فراهم آورده و در اثری مستقل با نام «مختصر جامع بیان العلم و فضله» به طبع رسانده است.^۳

۱- جامع بیان العلم و فضله، ج ۱، ص ۳.

۲- باخستانی، اسماعیل، دانش‌نامه‌ی جهان اسلام، ج ۷، ص ۵۳۵.

۳- مشخصات کتاب‌شناختی این اثر عبارت است از: الحمصانی البیروتی، مختصر جامع بیان العلم و فضله، احمد بن عمر، مصر: مطبعة الموسوعات، ۱۳۲۰ ق.

۴- تعلیم المتعلم

نام این رساله در برخی از منابع «تعلیم المتعلم طریق التعلّم»^۱ و در برخی دیگر «تعلیم المتعلم لتعلم طریق العلم»^۲ و در بعضی نسخ نیز «تعلیم المتعلم فی طریق المعلم»^۳ ضبط شده است. اسماعیل بن عثمان در شرح خود بر این رساله، از آن با نام «تعلیم المتعلم فی طریق التعلّم» یاد می‌کند.^۴

نویسنده‌ی این رساله، برهان‌الدین زرنوجی^۵ حنفی (پس از سال ۵۹۳ قمری)^۶ است.

درباره‌ی زندگی او آگاهی چندانی در دسترس نیست. او در حدود سال ۵۵۰ قمری به دنیا آمده و نزد کسانی همچون محمد بن ابی‌بکر (م ۵۷۳) و حماد بن ابراهیم صفار (م ۵۷۶) به تحصیل علم پرداخته است.^۷ او مدتی نیز در درس برهان‌الدین فرغانی صاحب الهدایة حاضر شده است.^۸

۱- نگر: حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ص ۴۲۵؛ پاشا بغدادی، اسماعیل، هدیة العارفين، ج ۱، ص ۱۳؛ سرکیس، البان، معجم المطبوعات العربیة، ج ۱، ص ۹۶۹.

۲- نگر: عمر کخالة، معجم المؤلفین، ج ۳، ص ۴۳؛ سرکیس، البان، معجم المطبوعات العربیة، ج ۱، ص ۹۶۹.

۳- نسخه‌ی موجود در معهد الثقافة و الدراسات الشرقیة در دانشگاه توکیو به شماره‌ی ۲۳۰۳ - ۹۹۹۹۹.

۴- اسماعیل بن عثمان، تفهیم المتفهم علی تعلیم المتعلم، ص ۲.

۵- در هدیة العارفين، ج ۱، ص ۱۳ آمده است که: «زرنوج - بالفتح والسکون - بلد بما وراء النهر بعد خجند».

۶- در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۱۶۵ و فرهنگ آثار ایرانی- اسلامی ج ۱، ص ۷۰ به غلط تاریخ وفات او را (۵۱۹ ق.) ثبت کرده‌اند.

۷- Franz Rosenthal, ibid, p: ۲۹۵.

۸- عمر کخالة، معجم المؤلفین، ج ۳، ص ۴۳؛ حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ص ۴۲۵؛ پاشا بغدادی، اسماعیل، هدیة العارفين، ج ۱، ص ۱۳؛ سرکیس، البان، معجم المطبوعات العربیة، ج ۱، ص ۹۶۹.

زرنوجی خود در مقدمه‌ی رساله‌اش تصریح می‌کند که بسیاری از طالبان علم به‌رغم کوشش فراوانی که در علم‌آموزی از خود نشان می‌دهند، در رسیدن به مقصد خود که همانا کسب علم و عمل به آن است، توفیق چندانی به‌دست نمی‌آورند و این نیست مگر بدان سبب که ایشان راه و رسم و شرایط علم‌آموزی را نمی‌دانند و برای وصول به آن، راه مستقیم و صواب را نمی‌پیمایند. از این‌رو، وی تصمیم می‌گیرد که نگاهشته‌ای مختصر در این زمینه برای طالبان علم بنگارد و طریق دانش‌اندوزی را در آن شرح دهد.^۱

تعلیم‌المتعلم زرنوجی در سیزده فصل^۲ تدوین یافته که عناوین آن بدین شرح است: (۱) فی ماهیة العلم (۲) فی النیة (۳) فی اختیار العلم (۴) فی تعظیم العلم (۵) فی الجدل (۶) فی بدایة السبق (۷) فی التوکل (۸) فی وقت التّحصیل (۹) فی الشّفقة (۱۰) فی الاستفادة (۱۱) فی الورع (۱۲) فیما یورث الحفظ (۱۳) فیما یجلب الرّزق.

رساله‌ی زرنوجی با وجود حجم اندک آن، شهرت بسیار زیادی به‌دست آورد و نسخه‌های فراوانی از آن فراهم شد.^۳

به‌نظر روزنتال، هرچند نگاهشته‌ی زرنوجی هم به‌لحاظ حجم و هم به‌لحاظ نگرش خردمندانه، اندک و ناچیز به‌شمار می‌آید، با این حال، می‌تواند جایگاه دانش را در اندیشه و عمل اجتماعی مسلمانان در آن دوران به‌خوبی نشان دهد.^۴

۱- تعلیم‌المتعلم، نسخه‌ی موجود در معهد الثقافة والدراسات الشرقيّة در دانشگاه توکیو به شماره‌ی ۲۳۰۳-۹۹۹۹۹.

۲- در فرهنگ آثار ایرانی-اسلامی ج ۱ ص ۷۰ به اشتباه تعداد فصول این رساله، چهارده فصل ذکر شده است.

۳- Franz Rosenthal, ibid, p:۲۹۵.

۴- Ibid, p:۲۹۶.

این رساله به زبان‌های مختلف ترجمه شده و شروح متعددی بر آن نگاشته شده است.^۱ از جمله می‌توان به ترجمه و شرح بایزید بن اسماعیل البرزنجی (م ۱۱۲۶ ق.) اشاره کرد که هم‌اینک نسخه‌ی خطی آن در کتابخانه‌ی علامه مرعشی موجود است.^۲ اسماعیل بن عثمان بن بکر بن یوسف نیز شرحی مفصل بر این رساله نوشته با عنوان «تفهیم المتفهم علی تعلیم المتعلم» که در سال ۱۳۲۰ قمری به طبع رسیده است.

۵- آداب المتعلمین

این رساله، منسوب به خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲ ق.) و از مشهورترین نگاه‌ها در زمینه‌ی آداب علم‌آموزی به‌شمار می‌آید. این اثر هرچند به شکل مختصر گردآوری شده است، دربردارنده‌ی اکثر مطالب و موضوعات مهم در این موضوع است. افزون بر این، مطالب مندرج در این رساله با زبانی ساده و روان بیان گردیده و به‌خاطر همین جهات، همواره مورد توجه و اقبال طالبان علم بوده است.^۳

این رساله‌ی مختصر در دوازده فصل فراهم شده و به‌لحاظ محتوایی شباهت‌های فراوانی با تعلیم المتعلم زرنوجی دارد؛ از این‌رو، برخی آن را اقتباس و تلخیصی از کتاب پیش‌گفته می‌دانند.^۴

اگرچه این اثر به نام خواجه نصیرالدین طوسی شهرت یافته است و حتی به عقیده‌ی بعضی،^۵ انتساب آن به خواجه نصیر در رواج و تداول

۱- برای آگاهی از چاپ‌های مختلف این کتاب و ترجمه‌های گوناگون آن نگر: سرکیس، لیان، معجم المطبوعات العربیة، ج ۱، ص ۹۶۹.

۲- معجم التاریخ التراث الاسلامی، ج ۱، ص ۳۳۱.

۳- حسینی جلالی، سید محمدرضا، مقدمه بر آداب المتعلمین، ص ۹.

۴- جهانبخش، جويا، مجله اخلاق، ش ۱، ص ۱۸۱.

۵- حسینی جلالی، سید محمدرضا، مقدمه بر آداب المتعلمین، ص ۱۰.

فراوان آن بی تأثیر نبوده است، برخی دیگر با تکیه بر قرائنی چند، انتساب آن را به خواجه نادرست می‌دانند.^۱ کسانی دیگر نیز مؤلف آن را از اصل، خود برهان‌الدین زرنوجی دانسته‌اند.^۲

مرحوم دانش‌پژوه تصریح کرده است که «آداب‌المتعلمین از خواجه نیست، رساله‌ی بی‌نامی در سیزده فصل است که ظاهراً در آن دست برده شده و دوازده فصل کرده‌اند و نشانی‌های سنی‌گری را از آن برداشته‌اند و به خواجه نسبت داده‌اند.»^۳

همان‌گونه که اشاره شد، آداب‌المتعلمین به جهت مضمون و محتوا همسانی‌های زیادی با تعلیم‌المتعلم زرنوجی دارد. مقایسه و تطبیق عناوین فصول این دو کتاب با یک‌دیگر خود گواه بر این مطلب است. این رساله بارها به چاپ رسیده و از آن چندین ترجمه و شرح نیز فراهم شده است.^۴

۶- تذکرة السامع و المتکلم فی أدب العالم و المتعلم

عنوان این کتاب در برخی منابع با اندکی تفاوت چنین ضبط شده

۱- برای آگاهی از صحت و سقم اسناد این رساله به خواجه نصیر، ر.ک:

محمد تقی دانش‌پژوه، «مؤلف آداب‌المتعلمین»، در: راهنمای کتاب، ش ۴-۶، صص ۴۲۷-۴۲۹.

جهانبخش، جويا، «درنگی دیگر در انتساب آداب‌المتعلمین به استاذ البشر»، در: مجله‌ی اخلاق، ش ۱، ص ۱۷۷. کتابی، بدرالدین، «ملاحظاتى درباره‌ی رساله‌ی آداب‌المتعلمین و مؤلف آن، در: نامه‌ی فرهنگ، س ۷، ش ۴، صص ۱۸۸-۱۹۶.

۲- نگر: کتاب‌شناسی خواجه نصیرالدین طوسی چاپ شده در دانشمند طوس، ص ۷۱.

۳- به نقل از: مدرس رضوی، محمد تقی، احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، ص ۵۳۵.

۴- برای ترجمه‌ها و شروح این اثر نگر: طهرانی، آقا بزرگ، السريعة، ج ۴، ص ۷۳. هم‌چنین برای اطلاع از چاپ‌ها و ترجمه‌های مطبوع آن نگر: کتاب‌شناسی خواجه نصیرالدین طوسی چاپ شده در دانشمند طوس، ص ۱۰۳.

است: «تذكرة السامع و المتكلم فى آداب العالم و المتعلم».^۱ نگارنده‌ی این کتاب بدرالدین محمد بن ابراهیم بن سعد الله بن جماعة کِنانی حَمَوی (م ۷۳۳ ق.) فقیه و محدث بزرگ شافعی و یکی از نام‌آوران خاندان ابن جماعه است. او در یکی از شهرهای شمالی سوریه به نام حماه متولد شد و مقدمات علوم و حدیث را در زادگاه خویش فرا گرفت. پس از آن برای ادامه‌ی تحصیل به مصر، دمشق و بیت‌المقدس مسافرت کرد. نحو را نزد ابن مالک فرا گرفت، اما در بیشتر علوم از محضر شیخ تقی‌الدین ابن رزین استفاده کرد. وی برای مدت‌ها به تدریس در مدارس مختلف شام و مصر اشتغال داشت و به مقام شیخ الشیوخی مدارس شام نیز منصوب شد.^۲ او چندی نیز به منصب قضاوت در سرزمین‌های مصر و شام گماشته شد و به همین دلیل سُبکی از او با عنوان «حاکم الإقلیمین مصرأ و شامأ» یاد می‌کند.^۳ ابن جماعه شاگردان بسیاری نیز تربیت نمود که از میان آن‌ها صفدی و سُبکی (م ۷۷۱ ق) شناخته شده‌ترند.^۴ سُبکی در اثر سترگ خودش با عنوان طبقات الشافعیة الکبری، گزارش مفصّلی از زندگی و آثار ابن جماعه آورده است و او را با عبارت «ذو عقل لا یقوم أساطین الحکماء بما جمع فیه» ستوده است.^۵

-
- ۱- نگر: حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ص ۳۸۶؛ اسماعیل پاشا بغدادی، هدیة العارفين، ج ۲، ص ۱۴۸، عمر کحّالة، معجم المؤلفین، ج ۸، ص ۲۰۱، پاشا بغدادی، اسماعیل، ایضاح المکنون، ج ۱، ص ۲۷۴، زرکلی، خیرالدین، الأعلام، ج ۵، ص ۲۹۸.
 - ۲- رفیعی، علی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۲۴۶.
 - ۳- تاج‌الدین السبکی، طبقات الشافعیة الکبری، ج ۹، ص ۱۳۹.
 - ۴- رفیعی، علی، مدخل "ابن جماعه"، در: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۲۴۶.
 - ۵- السبکی، تاج‌الدین، طبقات الشافعیة الکبری، ج ۹، ص ۱۳۹.

ابن جماعه این کتاب را در سال ۶۷۲ هجری قمری نگاشته است.^۱ اثر او خلاصه‌ی نظام‌یافته‌ای از دیدگاه‌های مختلف در باب آموزش علوم دینی است. تا زمان ابن جماعه تحصیلات عالی به طور کامل نهادینه و در مراکزی که به نام «مدرسه» خوانده می‌شد متمرکز شده بود. از این رو، وی کتاب *تذکره السامع* را در اصل درباره‌ی کیفیت تحصیلات عالی نگاشته و جز در برخی موارد اندک، به کیفیت تحصیلات ابتدایی نپرداخته است.^۲

وی در دیباچه‌ی این اثر تصریح می‌کند که وظایف خاص به هر یک از عالم و طالب، هم‌چنین آداب مشترک میان آن دو را بر اساس شنیده‌های خود از بزرگان و نیز خواننده‌هایش از کتب مختلف بیان می‌کند.^۳

ابن جماعه کتابش را در پنج باب تدوین کرده است که عبارتند از:

- ۱) فی فضل العلم و أهله و شرف العالم و نبه.
- ۲) فی آداب العالم فی نفسه و مع طلبته و درسه.
- ۳) فی آداب المتعلم فی نفسه و مع شیخه و رفقته و درسه.
- ۴) فی مصاحبة الکتب و ما يتعلّق بها من الأدب.
- ۵) فی أدب سکنی المدارس و ما يتعلّق به من النفائس.^۴

در این نگاشته، او به تفصیل مسایل مربوط به آداب و رسوم علم‌آموزی را مطرح کرده و شاید بیشترین اهمیت کتاب *تذکره السامع*

۱- ساکت، محمدحسین، آموزش‌نامه، ص ۱۳۵.

۲- Franz Rosenthal, *ibid*, p: ۲۹۶.

۳- بدرالدین، ابن جماعه، *تذکره السامع و المتکلم فی ادب العالم و المتعلم*، طبع: الجزائر، عبدالسلام عمر علی، ص ۴۰.

۴- همان.

در ذکر همین جزئیات و اظهارنظرهای خردمندانه درباره‌ی جنبه‌های خاص فرایند علم‌آموزی باشد.^۱

از دیگر جهات اهمّیت این کتاب آن است که وی به نحو گسترده به بیان احکام شرعی متعلّق به آموزگار و آموزش‌پذیر و همچنین هنجارهای تعلیم و تربیت دینی پرداخته است. افزون بر موارد پیش گفته، کتاب ابن‌جماعه به لحاظ تاریخی نیز حایز اهمّیت است، از آن‌رو که به خوبی نشان‌دهنده‌ی حیات علمی و کیفیت آموزش در مدارس اسلامی عصر مؤلّف است.^۲

برخی بر ابن‌جماعه خرده گرفته‌اند که با وجود این که وی از محدثان بزرگ عصر خود بوده و در علم حدیث تبخّر ویژه داشته است، در این نگاه‌شسته - به این بهانه که در باب ذکر آداب و فضایل تسامح و تساهل در ادّله روا است - از نقل احادیث غیر معروف و حتّی روایات جعلی، موضوع و از منابع متأخّر خودداری نکرده است.^۳

آموزش‌نامه‌ی ابن‌جماعه در سنجش با دیگر نگاه‌شسته‌ها در زمینه‌ی آموزش و پرورش اسلامی، سرشتی فقهی دارد و نه اندرز‌گرایی - آیینی. بسیاری از بن‌مایه‌های بخش دوم تذکرة السّامع را در الفقیه و المتفقّه، الجامع لأخلاق الرّأوی و آداب السّامع خطیب بغدادی پیدا می‌کنیم. ابوهلال عسکری (م حدود ۵۰۰ ق.) در کتاب الحثّ علی طلب العلم سخنانی دارد که در کتاب ابن‌جماعه بازتاب یافته است.^۴

۱ - Franz Rosenthal, ibid, p:۲۹۸.

۲ - الجزائری، عبدالسلام عمر علی، مقدّمه بر تذکرة السّامع و المتکلم، ص ۱۰.

۳ - همان، ص ۹.

۴ - ساکت، محمّدحسین، همان، ص ۱۴۶.

روزنتال نیز تصریح کرده است که ابن جماعه برای تألیف اثر خود از آثار خطیب بغدادی و غزالی بهره‌ی فراوان برده است.^۱ به عقیده‌ی برخی نیز یکی از مصادر اصلی ابن جماعه در نگارش تذکرة السامع "شرح المهذب" نووی است.^۲

به‌طور کلی، می‌توان گفت:

«بخش نخست کتاب ابن جماعه که درباره‌ی آموزش‌انگیزی و برتری دانش و دانش‌جویی است، برگرفته از احياء علوم الدین غزالی شافعی، تعلیم المتعلم زرنوجی حنفی و جامع بیان العلم ابن عبدالبر شافعی است. بخش دوم آموزش‌نامه که درباره‌ی آیین استادی و شاگردی است، از نگاه‌های خطیب بغدادی سیراب شده است. بخش سوم که کم‌برگ‌ترین قسمت کتاب است و از پیوند استادان و دانش‌جویان با مدرسه‌ها به عنوان بنیادهای وقف سخن می‌گوید، به نگاه‌های فقهی شافعیان بستگی می‌یابد و یافتن منبع مستقیم آن کار آسانی نیست.»^۳

تذکرة السامع ابن جماعه در قیاس با تعلیم المتعلم زرنوجی و آداب المتعلمین منسوب به خواجه نصیر حجم بیشتری داشته و مطالب را مشروح‌تر بیان کرده است.

این کتاب در آثار به‌نگارش درآمده‌ی پس از خود در زمینه‌ی آداب آموزش و پرورش اسلامی تأثیر به‌سزایی داشته است. در این میان، تأثیرپذیری دو کتاب پراج در این باب، یعنی منیة المرید فی أدب المفید و المستفید تألیف زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی معروف به شهید ثانی (م ۹۶۵ ق.) و الموعید فی أدب المفید و المستفید نگاه‌های

۱-Franz Rosenthal, ibid, p:۲۹۸.

۲- مختاری، رضا، مقدمه منیة المرید، ص ۷۰.

۳- ساکت، محمدحسین، همان، ص ۱۴۶.

شیخ عبدالباسط بن موسی بن محمد علموی (م ۹۸۱ق.)، از تذکرة السامع بسیار مشهور است؛ به گونه‌ای که می‌توان این دو کتاب را تحریرهای دیگری از اثر ابن جماعه به حساب آورد.

در خصوص تحلیل کتاب تذکرة السامع و ویژگی‌های آن و به ویژه اندیشه‌های ابن جماعه در این کتاب، مقالات و کتب متعددی نگاشته شده است که خوانندگان را برای کسب اطلاعات بیشتر به آنها ارجاع می‌دهیم.^۱

کتاب تذکرة السامع چندین بار با ویرایش‌های مختلف به چاپ رسیده است و به تازگی نیز توسط فاضل ارجمند آقای محمد حسین ساکت به همراه پژوهشی گسترده در باب این کتاب، به فارسی ترجمه شده است.

۷- منیة المرید فی أدب المفید و المستفید

این کتاب ارزشمند تألیف زین الدین بن علی بن احمد عاملی معروف به شهید ثانی (م ۹۶۵ق.) است. بی‌گمان، این اثر مهم‌ترین نگاهشده‌ی شیعی در باب آداب تعلیم و تربیت دینی است و به لحاظ ویژگی‌های

۱- مهم‌ترین این نگاهشده‌ها عبارتند از:

الف. شمس‌الدین، عبدالأمیر، الفکر التربوی عند ابن جماعه، الطبعة الأولى، بیروت: شركة العالمیة للكتاب، ۱۹۹۰ م.

ب. حسن ابراهیم عبدالعال، فنّ التعلیم عند بدرالدین بن جماعه كما یبدو فی کتابه تذکرة السامع و المتکلم، ریاض: مکتبة التربية العربیة لدول الخلیج، ۱۴۰۵ ق.

ج. همو، الفکر التربوی عند بدرالدین بن جماعه، من أعلام التربية العربیة الإسلامیة، ریاض: مکتبة التربية العربیة لدول الخلیج، ۱۴۰۹ ق.

د. هاشم نشابه، التراث التربوی الإسلامی فی خمس مخطوطات، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۸ م.

ه. ساکت، محمد حسین، آموزش‌نامه، تهران: نشر نی، ۱۳۸۸ ش.

منحصر به فردی که دارد از زمان تألیف تاکنون مورد توجه فراوان طالبان علوم دینی و جویندگان دانش قرار گرفته است و بزرگان زیادی آن را ستوده‌اند.

شهید ثانی در مقدمه‌ی خود بر این کتاب، به انگیزه‌اش از تألیف آن اشاره کرده و تصریح می‌کند:

«کمال انسان در کسب علم است، لیکن همه‌ی علوم باعث کمال و قرب به خداوند نمی‌شوند. هم‌چنین، تحصیل علم به هرگونه‌ای که باشد سبب حصول نتایج آن نمی‌گردد، بلکه تحصیل آن، شرایط و ضوابط خاصی دارد که طالب علم، مکلف به رعایت آن و هم‌چنین انجام آداب و وظایف مربوط بدان می‌باشد.»
او می‌افزاید:

«طالبان علم فراوانی را دیده‌ام که علی‌رغم جدّ و جهد وافر در کسب علم، موقّیّت چندانی به‌دست نیاورده‌اند و گذشته از این، بعضی افراد هم از طلب علم چیزی جز دوری از خدا عایدشان نشده است و سبب این همه، چیزی نیست مگر رعایت نکردن آداب و رسوم علم‌آموزی.»^۱

بنا به گفته‌ی شهید ثانی، منیة المرید در اصل، خلاصه‌ی کتاب [از دست رفته‌ی] دیگری از خود اوست با عنوان "منار القاصدین فی أَسرار معالم الدّین" که وی در آن تمامی احکام و آداب مربوط به دانش‌اندوزی را بیان کرده است.^۲

شهید، نگارش این کتاب را در سال ۹۵۴ قمری - یعنی حدود یازده سال پیش از شهادتش - به پایان رسانده است. بنابراین، او زمانی این

۱- منیة المرید فی أدب المفید والمستفید، تحقیق: مختاری، رضا، صص ۹۱-۹۲.

۲- همان، ص ۹۲.

کتاب را تألیف کرده که خود سال‌ها نزد علمای شیعه‌ی جبل عامل به تحصیل علم پرداخته و هم‌چنین از محضر دانشمندان بزرگ اهل سنت در دمشق و مصر بهره‌مند شده است و پس از آن با پشتوانه‌ی عمیق علمی و تجربی، و آگاهی از روش‌های مختلف علم‌اندوزی به نگارش آن اثر دست یازیده است.^۱

زین‌الدین منیه المرید را در یک مقدمه، چهار باب، یک خاتمه و یک تتمه تدوین کرده است. او در مقدمه‌ی کتاب به ذکر کلیاتی همچون فضیلت عالم و متعلم و علم‌آموزی پرداخته است و در چهار باب بعدی، مباحث اصلی خود را در خصوص آداب تعلیم و تربیت اسلامی بیان می‌کند. عناوین این ابواب، خود، به‌خوبی گویای محتوای اصلی آن‌ها خواهد بود:

(۱) الباب الأوّل: آداب المعلم و المتعلم.

(۲) الباب الثانی: آداب الفتوی و المفتی و المستفتی.

(۳) الباب الثالث: المناظرة و شروطها و آدابها و آفاتها.

(۴) الباب الرابع: آداب الكتابة و الكتب و ما يتعلق بها.

وی در خاتمه به بیان سه مطلب می‌پردازد:

در مطلب اوّل، به اقسام علوم شرعی اشاره کرده، آن‌ها را در چهار قسم بر می‌شمارد: (۱) علم الکلام؛ (۲) علم الکتاب العزیز؛ (۳) علم الأحادیث النبویة؛ (۴) علم الأحکام الشرعیة.

در مطلب دوم، احکام مربوط به علوم شرعی را بازگو می‌کند، و در واقع، حکم شرعی تحصیل رشته‌های مختلف علمی را مشخص می‌کند.

در مطلب سوم، به ترتیب یادگیری علوم شرعی برای متعلم اشاره می‌کند.

یکی از مطالب جالب توجهی که شهید در این خاتمه بدان پرداخته است، جایگاه علم کلام در میان دیگر علوم شرعی است. رویکرد وی به علم کلام و آموزش آن در خاتمه‌ی منیة المرید به‌طور کامل با رویکرد وی به این موضوع در دیگر آثارش متفاوت است.

او در رساله‌ی مختصر کلامی خود با نام "الاقتصاد والارشاد" علم کلام را دورترین، دشوارترین و خطرناک‌ترین طریقه برای شناخت خداوند متعال می‌داند.^۱

در جای دیگری از این رساله، او علم کلام را علمی می‌شمرد که نه موضوع مشخصی دارد و نه محمول معینی، و محتوای آن هم عبارت است از مسایل متفرقه‌ی ریاضی، طبیعی، الهی و غیر آن، که ایمان، هیچ توفیقی بر دانستن آن‌ها ندارد.^۲ شهید، پس از نقل احادیثی در مذمت پرداختن به مباحث کلامی، تأکید می‌کند که هیچ دلیل عقلی یا نقلی بر وجوب یا استحباب یادگیری علم کلام وجود ندارد.^۳

با این حال، وی در منیة المرید، علم کلام را یکی از علوم شرعی اصلی و بلکه اساس علوم شرعی دانسته است که شناخت خدا و رسول او از طریق آن میسر می‌شود. او در ادامه به آیات و روایات دال بر فضیلت آموزش علم کلام و ترغیب بدان اشاره کرده^۴ و حتی در مقام تعیین حکم شرعی یادگیری علم کلام اظهار می‌دارد که دانستن اصول

۱- الاقتصاد والارشاد، ص ۱۳.

۲- همان، ص ۳۸.

۳- همان، ص ۱۵.

۴- منیة المرید، صص ۳۶۵-۳۶۷.

اعتقادی واجب عینی است، اما آموزش دقائق و جزئیات علم کلام، به قصد حفاظت از دین و دفع شبهات مخالفین واجب کفایی است.^۱ در هر صورت، بررسی تفصیلی رویکرد شهید ثانی به علم کلام، مسأله‌ی مهمی است که در این جا میسر نیست و خود فرصت دیگری طلب می‌کند.

نکته‌ی مهم دیگری که درباره‌ی کتاب شریف منیة المرید قابل پژوهش و دقت است، تعیین منابع و مآخذی است که شهید ثانی برای نگارش این کتاب از آن‌ها استفاده کرده است. محقق ارجمند منیة المرید با تلاش فراوان خود به مهم‌ترین مصادر شهید ثانی در تألیف این کتاب دست یافته است. بنا به گفته‌ی او، علاوه بر منابع حدیثی‌ای همچون «کافی» کلینی، «أمالی»، «خصال» و «توحید» شیخ صدوق و «تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام»، شهید به‌طور مستقیم از مآخذ دیگری نیز بهره برده است که عبارتند از:

شرح المهدب نووی، إحياء علوم الدین غزالی، التفسیر الکبیر فخر رازی، فتح الباقی بشرح ألفیة العراقی زکریا بن محمد انصاری شافعی، تذکرة السامع و المتکلم ابن جماعة.^۲

در میان آثار پیش گفته، تأثیرپذیری منیة المرید از تذکرة السامع و المتکلم ابن جماعة به‌روشنی مشهود است. این تأثیرپذیری به‌حدی است که به عقیده‌ی برخی «درباره‌ی منیة المرید شهید ثانی باید گفت که نه‌تنها نویسنده‌ی بلند آوازه‌ی شیعی، استخوان‌بندی، فصل‌بندی و بیشترین بخش محتوای کتابش را از تذکرة السامع بدرالدین بن جماعه‌ی

۱- همان، ص ۳۸۰.

۲- همان، ص ۷۰.

شافعی اقتباس کرده است، بلکه در بسیاری از جاها، متن و عبارت کتاب او را گاه با اندکی دگرگونی و گاهی به‌طور کامل و درست و بی‌هیچ دگرگونی، در نگاشته‌ی خود آورده است. چنین کاری در نگاشته‌های بعضی از پیشینیان نیز سابقه داشته است. در واقع، این دانشمند و پژوهش‌گر شیعی، پس از آن که کتاب همتای شافعی خود را سودمند و گیرا یافته است، بر آن شده تا با اندکی دگرگونی و حذف نام و نشان نویسنده و دیگر راویان اهل تسنن از یک سو، و آراستن آن به احادیث و گفتار پیشوایان بزرگ شیعه و افزودن فصلی به نام فتوا دهنده و فتواگیرنده از دیگر سو، کتاب را به متن جامعه‌ی علمی تشیع وارد سازد؛ همان کاری که ملا محسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ هـ / ۱۶۸۰ م.) با/حیاء علوم/الدین ابوحامد غزالی شافعی (م ۵۰۵ هـ / ۱۱۱۱ م.) در کتاب ارزشمند «المحجة البیضاء فی تهذیب الإحیاء» به گونه‌ای دقیق، علمی و به‌ویژه با رعایت امانت‌داری انجام داده و گه‌گاه به نقد، بررسی، خرده‌گیری و پاسخ‌گویی هم پرداخته است.^۱

در واقع باید گفت، شهید ثانی اکثر مطالب خود را در باب اول و چهارم این کتاب بدون این که نامی از مؤلف تذکرة السامع ببرد، از این کتاب برگرفته است. گذشته از پاره‌ای تغییرات و افزودن باب دوم (آداب الفتوی و المفتی و المستفتی) - که جای آن در کتاب ابن‌جماعه خالی است - و اضافه کردن احادیث شیعی، کتاب منیة المرید یک رونویسی از کتاب تذکرة السامع است.^۲

۱- آموزش‌نامه، ص ۱۳۸.

۲- همان، ص ۱۴۱.

علاوه بر منابع یاد شده، به طور حتم شهید ثانی از مآخذ دیگری نیز استفاده کرده است. در تحقیق اخیر که استیوارت در این خصوص انجام داده است، آشکار شده که شهید ثانی در تألیف *منیة المرید* بیش از هر منبع دیگری، از نگاشته‌ی یکی از معاصران سنی مذهب خود به نام ابوالبرکات بدرالدین محمد غزّی عامری دمشقی (۹۸۴-۹۰۴ ق.) بهره برده است.^۱

به عقیده‌ی استیوارت، کتاب غزّی با عنوان «الدّرّ النّضید فی أدب المفید و المستفید»^۲ مهم‌ترین مآخذ شهید ثانی در تألیف «منیة المرید فی أدب المفید و المستفید» بوده است. او با تطبیق و مقایسه‌ی محتوای این دو کتاب نشان می‌دهد که تأثیرپذیری *منیة المرید* از *الدّرّ النّضید* به اندازه‌ای است که می‌توان فراهم آورده‌ی شهید ثانی را تحریری دوباره از *الدّرّ النّضید* دانست؛ تنها با این تفاوت که برخی از احادیث شیعی به آن اضافه شده است.^۳

در کنار تأثیرپذیری *منیة المرید* از دیگر کتب، باید به تأثیرگذاری عمیق این کتاب بر کتاب‌های نگارش یافته پس از آن در این زمینه نیز اشاره کرد. برای نمونه، فیض کاشانی در *المحجّة البیضاء* در مواضع متعددی به نقل مطلب از *منیة المرید* پرداخته است.^۴ هم‌چنین، این اثر

۱- Devin j. Stewart, Notes on Zayn Al-Di- N Al-Amili - 's Munyat Al-Muri - D Fi- Adab Al-Mufi- D Wa-L-Mustafi- D , Journal of Islamic Studies, ۲۱:۲ (۲۰۱۰) p: ۲۴۴.

۲- مشخصات کتاب‌شناختی این اثر بدین قرار است:

الدّرّ النّضید فی أدب المفید و المستفید، تصحیح: أبو یعقوب نشأت بن کمل المصری، مکتبة التوعیة الإسلامیة ۲۰۰۶ م.

۳- *ibid.*

۴- مختاری، رضا، مقدمه‌ی *منیة المرید*، ص ۵۷.

مورد توثیق علامه مجلسی رحمته اللّٰه قرار گرفته و وی از آن به‌عنوان یکی از مصادر بحار الأنوار نام برده است.^۱

اگرچه تاکنون پیرامون این کتاب پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است، روشن شدن دیگر ابعاد مهمّ این اثر ارزشمند، محتاج تحقیقات بیشتری است.

منیه المرید تا به حال چندین بار ترجمه شده و بارها با ویرایش‌های مختلف به چاپ رسیده است.^۲ بهترین این ویرایش‌ها چاپ اخیر آن است که با تصحیح و تحقیق فاضل گران‌قدر آقای رضا مختاری فراهم شده است.

۸- المّعید فی أدب المفید و المستفید

این کتاب، نگاشته‌ی عبدالباسط بن موسی بن محمّد بن اسماعیل علموی (م ۹۸۱ ق.) واعظ مشهور شافعی است. وی به سال ۹۰۷ قمری در شهر دمشق به دنیا آمد و از سنّ چهارده سالگی به امر خطابه در مسجد حاجب آن شهر مشغول شد.^۳ او هم‌چنین از جمله واعظان مسجد اموی در دمشق بوده و در همان شهر نیز بدرود حیات گفته است.^۴

المّعید فی ادب المفید و المستفید - بنا به تصریح مؤلف آن - تلخیصی است از رساله‌ی "الدّر النّضید فی أدب المفید و المستفید" نوشته‌ی فقیه شافعی بدرالدین محمّد بن محمّد بن محمّد الغزّی العامری الدمشقی (م ۹۸۴ ق.).

۱- همان، ص ۵۸.

۲- برای آگاهی از ترجمه‌ها و هم‌چنین چاپ‌های متعدّد این کتاب بنگرید: العاملی، زین‌الدین بن علی، منیه المرید فی أدب المفید و المستفید، تحقیق: مختاری، رضا، ج ۷، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷، ص ۶۰.

۳- غیبی، احمد، مقامه بر المعید فی أدب المفید و المستفید، ص ۵.

۴- الأعلام، ج ۳، ص ۲۷۰.

او در مقدمه‌ی این کتاب چنین می‌گوید:

«أما بعد فهذه رسالة مختصرة، جمعها العلامة شيخ الإسلام البدر محمد بن محمد بن محمد بن الرضى الغزى الشافعى طال بقاؤه فى فضيلة العلم و العالم و المعلم و المتعلم و المفتى و المستفتى و آداب كلٍ منهم، ملخصاً لها من مقدمة شرح المهذب لشيخ الإسلام المحيوى النووى و من غيرها من الكتب المعبرة و سماها بالدرّ النضيد فى أدب المفيد و المستفيد، و اختصرها كاتبها مسمى لها بالعقد التليد فى اختصار الدرّ النضيد، أو تسمى بالمعيد فى أدب المفيد و المستفيد.»^۱

از عبارت یاد شده چند نکته قابل استفاده است:

- ۱- علموی اختصار خودش از الدرّ النضيد را در زمان حیات مؤلف آن یعنی بدرالدین غزى فراهم آورده است.
- ۲- مأخذ اصلی غزى در نگارش الدرّ النضيد، شرح المهذب نووى بوده است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت نگاشته‌ی غزى، مختصری از آن کتاب به حساب می‌آید.
- ۳- المعيد فى أدب المفيد و المستفيد، نام دیگری است برای العقد التليد فى اختصار الدرّ النضيد، نه این که - چنان که برخی گمان کرده‌اند^۲ - خود، نگاشته‌ی مستقل دیگری در اختصار الدرّ النضيد باشد.
- ۴- علموی نام کتاب خود - المعيد فى أدب المفيد و المستفيد - را از الدرّ النضيد فى أدب المفيد و المستفيد غزى بر گرفته است، نه

۱- علموی، المعيد فى ادب المفيد و المستفيد، ص ۱.

۲- نگر: الأعلام، ج ۳، ص ۲۷۰.

- چنان که بعضی پنداشته‌اند^۱ - از منیة المرید فی أدب المفید و المستفید شهید ثانی.

المعید، به تبع اصل خودش الدرّ النّضید، در یک مقدمه، شش باب و یک خاتمه گردآوری شده است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

(۱) المقدمّة: فی الأمر بالإخلاص و الصدق و إحضار النّیّة.

(۲) الباب الأوّل: فی فضیلة الإشتغال بالعلم و تعلّمه، و تعلیمه و نشره و حضور مجالسه و تحذیر من أراد بعلمه غیر الله و تحذیر من آذی عالماً.

(۳) الباب الثّانی: فی أقسام العلم الشّرعی و هی ثلاثة، و مراتبه و هی ثلاثة.

(۴) الباب الثّالث: فی آداب المعلّم و المتعلّم و هو ثلاثة أنواع.

(۵) الباب الرّابع: فی آداب الفتوی و المفتی و المستفتی و هو أربعة أنواع.

(۶) الباب الخامس: فی شروط المناظرة و آدابها و آفاتھا و فیہ فصلان.

(۷) الباب السّادس: فی الأدب مع الکتب و ما یتعلّق بتصحيحها و ضبطها و وضعها و حملها و شرائها و استعارتها و غیر ذلك.

(۸) الخاتمة: فی رقائق لطيفة مناسبة.^۲

اگرچه المعید تلخیصی از الدرّ النّضید بوده و تا حدّ زیادی متأثر از آن است، لیکن این امر نباید موجب چشم‌پوشی از تأثیرگذاری دیگر

۱- ساکت، محمّدحسین، آموزش‌نامه، ص ۱۳۷.

۲- المعید فی ادب المفید و المستفید، ص ۲.

آثار مهمّ نگاشته شده در باب آداب علم آموزی (مانند تذکرة السامع و المتکلم) بر آن شود.

روزنتال با مقایسه بین دو کتاب المعید و تذکرة السامع به این نتیجه رسیده است که فصل چهارم کتاب ابن جماعه در کتاب غلموی رونویسی شده است و تنها به جای یازده مبحثی که در تذکره آمده است، ده مبحث در المعید وارد شده است.^۱

از نکات قابل توجه در خصوص المعید آن است که این کتاب با رویکردی حدیثی نگاشته شده و مشحون است از آیات قرآن، روایات رسول اکرم ﷺ و اقوال صحابه، تابعین، علما و فقهای همچون شافعی و ابوحنیفه.

مأخذ اصلی غلموی در تدوین مقدمه و باب اول المعید، قرآن کریم و متون حدیثی مشهور اهل سنت همچون صحاح ستّه بوده است. در باب سوم، وی بیشترین استفاده را از تذکرة السامع کرده است. او خود در موارد متعددی نام ابن جماعه را برده و از او مطالبی را نقل کرده است.^۲

منابع اصلی وی در نگارش باب چهارم که درباره‌ی آداب فتوا دادن و وظایف مفتی و مستفتی است، عبارتند از: «أدب المفتی و المستفتی» ابوالقاسم صیمری (م ۳۸۶ ق.)، و اثری دیگر با همین نام از ابن صلاح (م ۶۴۳ ق.)، «المجموع فی شرح المهذب» محیی الدین نووی (م ۷۶۷ ق.)، «الجامع لأخلاق الراوی و آداب السامع» خطیب بغدادی (م ۴۶۳ ق.) و «أدب الإماء و الإستماء» سمعانی (م ۵۶۲ ق.).

۱- آموزش نامه، ص ۱۴۳.

۲- برای نمونه نگر: المعید فی ادب المفید و المستفید، صص ۵۳، ۵۷، ۷۲، ۷۳، ۷۶، ۸۰.

در آغاز باب پنجم که در خصوص مناظره و آداب آن است، مصنف کتاب، خود تصریح می‌کند که مطالبش در این فصل، تلخیصی است از آنچه غزالی (م ۵۰۵ ق.) در کتاب «فاتحة العلوم» آورده است.^۱ علموی در پایان این باب و پس از آن که آداب و آفات مناظره را بر می‌شمارد، به نقل چندین مناظره از شافعی می‌پردازد.

نکته‌ی دیگری که درباره‌ی المعید قابل توجه است، تأثیرگذاری این کتاب بر نگاه‌های پس از خود در این زمینه است. المعید در کتاب «آداب العالم و المتعلم» تألیف حسین بن قاسم منصور یمنی (م ۱۰۵۰ ق.) نشان‌هایی ژرف و آشکار بر جای نهاده است.^۲ هم‌چنین، بعید نیست که شهید ثانی در نگارش منیه المرید از المعید استفاده کرده باشد.

در هر حال، المعید را می‌توان در زمره‌ی مهم‌ترین نگاه‌ها در باب آداب دانش‌اندوزی و اخلاق علم‌آموزی به حساب آورد. این کتاب در سال ۱۳۴۹ قمری در مطبعة الترقی شهر دمشق و به کوشش احمد عیید به چاپ رسیده است.

۱- المعید، ص ۱۱۳.

۲- آموزش‌نامه، ص ۱۴۳.

منابع

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با طلبان و اساتید حوزه‌ی علمیّه‌ی قم: مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، پاییز ۱۳۸۹.
- ۳) آذرنوش، آذرتاش، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، مدخل «ادب»، زیر نظر: موسوی بجنوردی، کاظم، تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ۴) باغستانی، اسماعیل، دانش‌نامه‌ی جهان اسلام، ج ۷، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
- ۵) عبدالبر التّمری القرطبی، یوسف، جامع بیان العلم و فضله و ما ینبغی فی روایتہ و حملہ، ۲ ج، مصر: إدارة طباعة المنيرية.
- ۶) سزگین، فؤاد، تاریخ التّراث العربی، ترجمه: فهمی حجازی، محمود، افسر، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۲ ق.
- ۷) رفیعی، علی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، مدخل "ابن سحنون" و مدخل "ابن جماعه"، زیر نظر: موسوی بجنوردی، کاظم، تهران: ۱۳۸۳ ش.
- ۸) ابن فرحون، ابراهیم بن نور الدین المالکی المعروف، الدّیاج المذّهب فی معرفة أعیان علماء المذّهب، بیروت: دارالکتب العلمیّة، ۱۴۱۷ ق.
- ۹) کحّاله، عمر، معجم المؤلّفین، بیروت: مکتبه المثنی.
- ۱۰) بغدادی، اسماعیل پاشا، هدیه العارفین، بیروت: دار احیاء التّراث العربی، ۱۹۵۱ م.
- ۱۱) زرکلی، خیرالدین، الأعلام، بیروت: دارالعلم للملایین، ۲۰۰۷ م.

- ۱۲) بازاری، اسماعیل بن عثمان، تفهیم المتفهم علی تعلیم المتعلم، ۱۳۲۱ ق.
- ۱۳) زرنوجی، برهان‌الدین، تعلیم المتعلم، نسخه‌ی موجود در معهد الثقافة و الدراسات الشرقيّة در دانشگاه توکیو به شماره‌ی ۲۳۰۳-۹۹۹۹۹.
- ۱۴) قره بلوط، علی الرضا، احمد طوران، معجم التاریخ التراث الاسلامی فی مکتبات العالم، ترکیه: دارالعقبه.
- ۱۵) الیان، سرکیس، معجم المطبوعات العربیّة، افسس، قم: مکتبه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ ق.
- ۱۶) طوسی، نصیر‌الدین، آداب المتعلمین، تحقیق: حسینی جلالی، سیّد محمدرضا، قم: انتشارات ماهر، ۱۴۳۱ ق.
- ۱۷) جهانبخش، جويا، «درنگی دیگر در انتساب آداب المتعلمین به استاذ البشر»، در: مجله‌ی اخلاق، ش ۱، دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان، پاییز ۱۳۸۴.
- ۱۸) دانشمند طوس، به کوشش: پورجوادی، نصرالله و ژیا و وسل، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۹ ش.
- ۱۹) مدرس رضوی، محمدتقی، احوال و آثار خواجه نصیر‌الدین طوسی، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۶ ش.
- ۲۰) سبکی، تاج‌الدین، طبقات الشافعیة الكبرى، تحقیق: عبدالفتاح محمد الحلو و محمود محمد الطناحی، بیروت: دار احیاء الکتب العربیّة.
- ۲۱) ابن جماعه، بدرالدین، آموزش نامه، گزارش و پژوهش: ساکت، محمدحسین، تهران: نشر نی، ۱۳۸۸ ش.
- ۲۲) ابن جماعه، بدرالدین، تذکرة السامع و المتکلم فی ادب العالم و المتعلم، تحقیق: الجزائری، عبدالسلام عمر علی، مکتبه ابن عباس، ۱۴۲۵ ق.

۲۳) عاملی، زین الدین بن علی بن أحمد معروف به شهید ثانی، منیة المرید فی أدب المفید و المستفید، تحقیق: رضا مختاری، ج ۷، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش.

۲۴) ...، الإقتصاد و الإرشاد، چاپ شده در رسائل شهید ثانی، ج ۲، تحقیق: مختاری، رضا، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش.

۲۵) عَلموی، عبدالباسط بن موسی بن محمد بن اسماعیل، المعید فی أدب المفید و المستفید، تحقیق: احمد عبید، دمشق.

۲۶) Devin J. Stewart, Notes on Zayn Al-Di-Nal- Amili-'s Munyat Al-Muri-D Fi- Adab al-Mufi-d wa-l-Mustafi- d , Journal of Islamic Studies, ۲۱:۲ (۲۰۱۰) p: ۲۴۴.

۲۷) Franz Rosenthal, Knowledge Triumphant, brill , ۲۰۰۷.